

شناسایی الزامات نظام آموزش عالی کشور برای تحقق اقتصاد مقاومتی

مرتضی سلطانی¹
حسین خنیفر²
مریم نجفی³

چکیده

هدف: این تحقیق با هدف شناسایی الزامات نظام آموزش عالی کشور برای تحقق اقتصاد مقاومتی انجام شده است. **روش:** روش این پژوهش بر اساس هدف توسعه‌ای، کیفی به شیوه توصیفی است. به منظور جمع‌آوری داده‌های کیفی از ابزار مصاحبه و مطالعات اسنادی و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون (تم) استفاده شده است. نمونه آماری تحقیق شامل 10 نفر از خبرگان علمی و اجرایی کشور در حوزه اقتصاد مقاومتی و آموزش عالی، کلیه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری و تعداد هفت مقاله و کتاب و در این زمینه بوده است. **یافته‌ها:** 31 مضمون در شش محور شامل آموزش، پژوهش و نشر دانش (کارکردهای اصلی نظام آموزش عالی)، ساختار و سیستم‌ها، فرهنگ و رهبری (اهرم‌های اصلی اجرای استراتژی) به عنوان الزامات نظام آموزش عالی احصا شد. **نتیجه‌گیری:** بسترسازی آموزش عالی برای تحقق اقتصاد مقاومتی نیازمند اقداماتی در دو سطح است؛ نخست، اقدام در سطح وزارت علوم و دانشگاه‌ها که متولی اصلی آموزش عالی در کشورند و دوم، اقدام در سطح دولت که نهاد فرادست آموزش عالی و متولی اصلی اجرای اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، آموزش عالی، دانشگاه، تحلیل مضمون.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دریافت مقاله: 97/07/29؛ تصویب نهایی: 98/03/18

1. دکتری مدیریت بازرگانی از دانشگاه شهید بهشتی، استادیار گروه مدیریت بازرگانی و کسب و کار پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)/نشانی: قم، بلوار دانشگاه، پردیس فارابی دانشگاه تهران/نمبر: 02536166126/Email: mortezasoltane@ut.ac.ir
2. دکتری مدیریت آموزشی از دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، استاد گروه مدیریت دولتی و امور عمومی پردیس فارابی دانشگاه تهران.
3. کارشناس ارشد مدیریت تحول از پردیس فارابی دانشگاه تهران.

الف) مقدمه

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی مبتنی بر مقاوم‌سازی، ترمیم ساختارها و قوانین و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است که با تدوین راهبرد علمی و کارشناسی شده و بازتعریف فلسفه وجودی نهادها و قوانین، اقدام به حذف موانع رشد و توسعه، حذف دوباره کاری‌ها و به نوعی هرس کردن ساختارهای اقتصادی مبادرت کنیم تا از بدنه چابک‌تر و هوشمندتری برای مقابله با مشکلات برخوردار شویم و منفعلانه در برابر اتفاقات عمل نکنیم (شیروان و مرادی، 1391: 28). یکی از الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی، توجه به نظام آموزشی است. تا زمانی که نتوانیم نظام آموزشی را با این سیستم هماهنگ کنیم، در پیشبرد وسیع این نظام اقتصادی موفق نخواهیم بود. بدین منظور تحقیق حاضر به دنبال شناسایی الزامات آموزش عالی برای نقش آفرینی در تحقق اقتصاد مقاومتی است.

1. آموزش عالی

ماهیت آموزش عالی که هدفهای آن در مؤسساتی سازمان یافته و متشکل از گروهی طالب علم به نام دانشگاه به ثمر می‌رسد، چیزی جز جستجوی حقیقت و دانش نو و همچنین کشف روابط این دو با کل زندگی واقعی نیست. این جستجو و اکتشاف، کنش و واکنشهایی را میان دانشجویان، مربیان و تجارب ضبط شده بشر سبب می‌شود که برای انجام درست این عمل به محیطی که از ویژگی‌هایی مانند آزادی، مسئولیت، خلاقیت و نوآوری و انسانیت نسبتاً برخوردار باشد، نیاز است. فیلسوف مشهور وایت‌هد¹ (1967) معتقد است که مؤسسات آموزش عالی صرفاً مکتبهایی برای آموزش و انجام تحقیق و پژوهش نیست. او می‌گوید: «چه بسا این گونه فعالیتهای را بتوان در مکانهایی غیر از دانشگاهها ارزان تر انجام داد» و با صراحت اضافه می‌کند: «تنها دلیلی که وجود دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی را توجیه می‌کند، همان کشف و حفظ ارتباط میان دانش و حقیقت با فضای کلی زندگی است». بنابر این، جدایی فعالیتهای و هدفهای دانشگاه از هدفها و واقعتهای اجتماعی، سبب نقصان اعتبار دانشگاه است. (نادری و سیف نراقی، 1370: 24-23)

دنیای صنعتی متحول امروز انتظار دارد دانشگاه برای اجرای هر یک از وظایف سه گانه مزبور، سه کارکرد اصلی (که یونسکو بر آن تأکید دارد) داشته باشد: آموزش (انتقال دانش)، پژوهش (تولید دانش) و خدمات (اشاعه و نشر دانش) که هر یک از اینها می‌تواند زیرعنوانهای متعدد داشته باشد؛ از جمله، «تربیت نیروی انسانی متخصص» به عنوان یکی از زیرعنوانهای اشاعه و نشر دانش. (بهرامی و زمانی، 1380: 32-27)

2. اقتصاد مقاومتی

در ادبیات اقتصادی جهان، اقتصاد مقاومتی مفهوم جدیدی است؛ با این وجود، اصطلاحات و نظریه‌هایی را می‌توان ذکر کرد که با آن نزدیکی و شباهت دارند؛ از جمله نظریه «فترت اقتصادی»² بریگا گلیو³. بریگا گلیو بیان می‌دارد که اصطلاح فترت اقتصادی به دو مفهوم به کار می‌رود: اول، توانایی اقتصاد برای بهبود سریع از شوکهای اقتصادی

1. Whitehead
2. Economic Resilience
3. Briguglio

263 شناسایی الزامات نظام آموزش عالی کشور برای تحقق اقتصاد مقاومتی

تخریب‌کننده خارجی و دوم، توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار این شوکها (بریگالیو، 2011). در عین وجود شباهتهایی بین دو مفهوم فنریت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی، اما تمایزی بنیادی نیز بین این دو وجود دارد و آن، حاکمیت ارزشهای انسانی و اسلامی در اقتصاد مقاومتی است. در واقع؛ می‌توان ادعا کرد فنریت اقتصادی اگر چه در برخی راهبردها با اقتصاد مقاومتی همراه است، اما همچنان در پارادایم اقتصادی رایج دنیا تعریف می‌شود و آرمانی انسانی را دنبال نمی‌کند.

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که تهدیدها را تبدیل به فرصت می‌کند. اساساً اقتصاد مقاومتی را از اقتصاد حمایتی تفکیک می‌کنند. در اقتصاد حمایتی، موضوع این است که کشور ضعیف از صنایع خود در برابر کشور قوی باید حمایت کند؛ اما در اقتصاد مقاومتی به نظامی اندیشیده می‌شود که وقتی در برابر تهدید قرار می‌گیرد، رشد و حتی بالاتر از آن، جهش می‌کند. اقتصاد مقاومتی را حالت ویژه‌ای از نظام اقتصاد اسلامی می‌دانند که هدف اصلی آن امنیت استقلال و خودکفایی اقتصادی است. (فدایی، 1393: 55)

پیغامی (1391) معتقد است امروزه جمهوری اسلامی در حوزه‌های اقتصادی خود با مسائل یا مفاهیمی مواجه است که به هیچ‌یک عنوان تاکنون چه در عرصه نظر و کتابهای درسی و چه در عرصه عمل و تجارب بشری، مشابه و ما به ازای واقعی نداشته است. بنابر این، خود انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری و ابتکار و نظریه‌پردازی و الگوسازی در این عرصه‌های جدید اقتصادی است. یکی از این مفاهیم، «اقتصاد مقاومتی» است. اگر تمام دانش انباشته و کتابهای مرسوم اقتصادی دنیا مطالعه شود، نظریه یا تجربه‌ای مدون و مکتوب درباره اقتصاد مقاومتی پیدا نخواهد شد. در تمام متون و کتابهای اقتصاد، هیچ پیشینه نظری یا عملی از تحریم بانک مرکزی وجود ندارد و بدین سبب که این امر تاکنون سابقه نداشته، چگونگی واکنش به آن هم امری بدیع است. حتی اگر مطالعاتی هم در این باره صورت گرفته باشد، در طبقه‌بندی‌های محرمانه و امنیتی قرار گرفته و امکان دسترسی به آن برای کارشناسان معمولی وجود ندارد. نتیجه اینکه، اقتصاددانان انقلاب اسلامی نمی‌توانند از نظریه‌های متداول برای حل مشکل و مسئله خود بهره گیرند. لذا جنبش نرم‌افزاری و الگوی اسلامی - ایرانی اداره جامعه، شکل بدیعی به خود می‌گیرد که الهام‌بخش جمیع ملت‌های آزاده خواهد بود. پیغامی در تحلیلی جامع از مفهوم اقتصاد مقاومتی، چهار تعریف برای آن ارائه کرده است. (همان)

تعریف اول: اقتصاد مقاومتی به مثابه «اقتصاد موازی» است؛ یعنی همان‌طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، به تأسیس سپاه پاسداران، کمیته امداد، بنیاد مسکن و جهاد سازندگی اقدام کرد، امروز نیز بایستی برای تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را ادامه دهد و تکمیل کند؛ زیرا انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادهای موازی در اقتصاد نیاز دارد که چه بسا ماهیتاً از عهده نهادهای رسمی اقتصادی بر نمی‌آید. پس باید نهادهای موازی برای این کارویژه ایجاد شود؛ یعنی ما در کشورمان به «اقتصاد پریم» نیاز داریم. البته این امر به معنای نفی نهادهای مرسوم نیست.

تعریف دوم: اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که در پی مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی، خلل‌گیری و ترمیم ساختارهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است؛ یعنی اگر در رویکرد قبلی می‌گفتیم فلان نهاد نمی‌تواند

انتظارات ما را برآورده کند، در رویکرد جدید به دنبال آنیم تا با بازتعریف سیاستهای نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات را برآورد. برای مثال، از بانک مرکزی یا وزارت بازرگانی می‌خواهیم که کانونهای ضعف و بحران را در نظام اقتصادی کشور شناسایی کرده، خود را بر اساس شرایط جدید اقتصادی و تحریمها، با نیازهای انقلاب اسلامی بازتعریف کنند و در نتیجه، عملکردی جهادی ارائه دهند.

تعریف سوم: اقتصاد مقاومتی متوجه هجمه‌شناسی، آفندشناسی و پدافندشناسی ما در برابر آن هجمه است؛ یعنی باید ابتدا بررسی کنیم که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اخلال در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می‌دهند. بنابر این، وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها راهبرد مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد.

تعریف چهارم: اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست. بر خلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. این تعریف هم که به نظر می‌رسد دور از دیدگاههای رهبر معظم انقلاب نیست، رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد. در این رویکرد، ما در پی «اقتصاد ایده‌آلی» هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل «تمدن بزرگ اسلامی» باشد. بدین معنا، اساساً در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو می‌باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود. البته همه این چهار تعریف از اقتصاد مقاومتی به نوعی با هم رابطه «عموم و خصوص من وجه» دارند، منتها برخی کوتاه‌مدت و برخی بلندمدت هستند و البته ترکیبی از راهبردهای مطلوب را نیز برایمان به تصویر می‌کشند.

با توجه به تعاریف ارائه شده، تعریف چهارم به عنوان تعریف مبنا در این پژوهش مدنظر است؛ زیرا سه تعریف قبلی، اقتصاد مقاومتی را کوتاه‌مدت یا پدافندی می‌دانستند؛ اما تعریف چهارم، بلندمدت و ایجابی و دوراندیشانه است و با توجه به اینکه اقتصاد مقاومتی راهبرد کلان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است و راهبرد نیز امری بلندمدت؛ بنابر این، تعریف اخیر بیشتر به مفهوم راهبرد نزدیک است.

3. تاریخچه اقتصاد مقاومتی در ایران

به لحاظ تاریخی در ایران، مقاومت اقتصادی با انقلاب اسلامی ملازم است؛ یعنی ماهیت انقلاب اسلامی از لحاظ اصول و اهدافی که دنبال می‌کند، اقتضای نوعی مقاومت را به همراه دارد. اقتصاد انقلاب اسلامی در پی تحقق استقلال اقتصادی، افزایش رفاه عمومی و در پی ساختن اقتصاد پیشرفته است. به طور کلی و اجمالی، از همان ابتدای انقلاب مشخص بود که تحقق این اهداف موجب نوعی رویارویی با قدرتهای اقتصادی جهان خواهد شد. بنابر این، می‌توان گفت که اقتصاد انقلاب اسلامی در بطن خود یک الزام در خصوص مقاومت و مقاومت اقتصادی دارد.

در بررسی سیر تاریخی این موضوع، مشاهده می‌شود که مقام معظم رهبری در سال 1386 به صراحت اعلام کردند که جنگ بعدی، جنگ اقتصادی خواهد بود و سال 1389 نیز برای اولین بار، در جمع کارآفرینان بیان فرمودند: «ما امروز در مقابل یک فشار جهانی قرار داریم. دشمنی وجود دارد در دنیا که می‌خواهد با فشار اقتصادی و با تحریم، سلطه یا اهریمنی خودش را برگرداند به این کشور. ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی به وجود آوریم» (1389/6/16). همچنین رهبر معظم انقلاب در سالهای متمادی برای نامگذاری سالها در ابتدای نوروز، به کرات از واژه‌های اقتصادی استفاده کرده‌اند؛ از جمله: سال اصلاح الگوی مصرف؛ سال حماسه سیاسی، حماسه اقتصادی؛ سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی؛ سال نوآوری و شکوفایی؛ سال حمایت از کار و سرمایه ایرانی و سال همت مضاعف و کار مضاعف. اوج تأکید بر اقتصاد مقاومتی را می‌توان در تاریخ 92/11/30 دانست که ایشان سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت در 24 بند ابلاغ کردند.

4. نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی

بدیهی است دانشگاه به عنوان یک نظام یا سیستم، جزئی از سیستم کل جامعه تلقی می‌شود. به این ترتیب، با سیستم‌ها یا نظامهای دیگر در ارتباط و تعادل دوجانبه است و تأثیراتی را از آنها می‌پذیرد و تأثیراتی نیز بر آنها می‌گذارد (بینی، 1372). آموزش عالی از جهات مختلفی در تمامی ابعاد توسعه، نقش اساسی دارد. یکی از نقشهای مهم در این زمینه، تأثیر آموزش عالی بر توسعه اقتصادی است.

آموزش، از جهات متفاوتی در مسائل مربوط به توسعه اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد. طبق نظریه سرمایه انسانی، تحصیلات بیشتر و هر نوع مهارت و آموزشی که فرد می‌بیند، در وی ظرفیت و قابلیت ایجاد می‌کند که می‌تواند جریان درآمدی بیشتری را در آینده به وجود آورد. بنابراین، آموزش و افزایش توانایی و مهارت، به منزله سرمایه‌هایی است که مانند هر سرمایه فیزیکی دیگر، بازدهی اقتصادی دارد. با گسترش دانشگاهها، نه تنها نیروی انسانی مورد نیاز جامعه تربیت شده، بلکه زیرساختهای فکری و فرهنگی جامعه نیز برای برخورداری از روشها و فناوریهای نو فراهم شده است. از این منظر، آموزش عالی را می‌توان مؤثرترین روش سرمایه‌گذاری در منابع انسانی دانست که با آموزش، دانش‌افزایی و ارتقای نگرش و مهارتها، زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی لازم را برای توسعه ملی فراهم می‌سازد.

توسعه حرکتی مستمر و پویا برای افزایش توانایی انسان در رفع نیازهای مادی و معنوی از راه گسترش متوازن ساختارها و نهادهای اجتماعی است. محرک اصلی در توسعه جامعه، دانشهای نوین، ایده‌های تازه و آرمانهای جدید است. آموزش عالی منبع تولید دانش و ایده‌های نو است. نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی کشورها، چه در اقتصادهای مبتنی بر فناوریهای پیشرفته و چه در کشورهای تازه صنعتی شده و در حال توسعه، چشمگیر و بی‌بدیل ارزیابی می‌شود. نقش هیچ عاملی را در توسعه کشور نمی‌توان با عامل انسانی برابر دانست. انسان، هم عامل توسعه و هم هدف آن است و بی‌گمان نقش عامل انسانی با رشد دانش و فناوری ارتقا می‌یابد. لازمه نیل به اهداف توسعه ملی، برخورداری از دانش و فناوری

پیشرفته است که تنها در سایه پژوهشهای بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای حاصل می‌شود. مسئولیت تولید دانش بنیادی و دانش فنی بر دوش دانشگاهها و مراکز علمی کشور است. (خواجہ شاکھی و صحنہ، 1378: 138-125)

ب) پیشینه تحقیق

مطالب فراوانی در ابعاد گوناگون، پس از ابلاغ سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی از سال 1392 تا کنون در قالب مقاله و تعداد محدودی کتاب ارائه شده است؛ اما تحقیقی که به طور خاص به الزامات نظام آموزشی تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخته باشد، تا جایی که نگارنده بررسی کرده است، مشاهده نشد. بنابر این، ضرورت ایجاد کرد موضوع تحقیق در قالب پایان‌نامه بررسی شود. به دلیل خاص بودن موضوع، نمونه خارجی در این حوزه وجود ندارد. در داخل کشور نیز تا کنون کارهای پژوهشی و تحقیقاتی پیرامون ارتباط نظام آموزش عالی و اقتصاد مقاومتی دیده نشده است. البته یک دلیل مهم هم نبودن مفهوم اقتصاد مقاومتی است که زمان کمی از فرهنگ شدن و پرداختن اساتید مختلف به آن می‌گذرد.

سوالات تحقیق:

1. الزامات نظام آموزش عالی برای تحقق اقتصاد مقاومتی کدامند؟
2. الزامات نظام آموزش عالی برای تحقق اقتصاد مقاومتی در چه محورهایی قابل دسته‌بندی‌اند؟

ج) روش تحقیق

این تحقیق از نوع اکتشافی و به دنبال کشف و استخراج الزامات آموزش عالی برای تحقق اقتصاد مقاومتی است. لذا به منظور احصای این الزامات، از روش تحقیق تحلیل مضمون (تم) و استقرایی (مبتنی بر داده‌ها) استفاده شده است. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (خنیفر و سلمی، 1396). در روش استقرایی، مضامین شناخته‌شده به شدت با خود داده‌ها مرتبط‌اند و فرایند کدگذاری داده‌ها بدون تلاش برای انطباق آنها با چارچوب کدگذاری از قبل تهیه شده یا قالب مضامین صورت می‌گیرد. لذا در روش استقرایی، تحلیل مضمون بر اساس داده‌ها انجام می‌شود (همان). مهم‌ترین روشهای گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر عبارتند از: مطالعات اسنادی و تحقیقات میدانی. در این پژوهش تلاش بر این بوده که در طول دوره جمع‌آوری اطلاعات، از روش راهبرد ممیزی پژوهش برای تضمین اعتبار آن استفاده شود. برای اجرای ممیزی پژوهشی که روایی و پایایی داده‌ها را تضمین می‌کند، راهبردهای مختلفی پیشنهاد شده‌اند که مهم‌ترین آنها که در این پژوهش در پیاده‌سازی آنها دقت شده است، عبارتند از: حساسیت پژوهشگر (دانایی فرد و مظفری، 1387: 162)، متناسب بودن نمونه و گردآوری و تحلیل همزمان داده‌ها.

شناسایی الزامات نظام آموزش عالی کشور برای تحقق اقتصاد مقاومتی ♦ 267

جامعه آماری در این تحقیق، شامل خبرگان و متخصصان در دو حوزه آموزش عالی و اقتصاد مقاومتی است که از طریق مصاحبه و بررسی مقالات و کتب، آرا و نظرات ایشان اخذ شد. همچنین کلیه بیانات مقام معظم رهبری در حوزه‌های اقتصاد مقاومتی و آموزش عالی، منبع این تحقیق بوده است. در روشهای کیفی، جمع‌آوری اطلاعات تا زمان رسیدن به نقطه اشباع¹ باید ادامه یابد. به عبارتی؛ جمع‌آوری اطلاعات تا جایی ادامه می‌یابد که اطلاعات جدید جمع‌آوری شده، با اطلاعات قدیمی جمع‌آوری شده تفاوتی نداشته باشد. در تحقیق حاضر با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی² و با توجه به ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان، تعداد 10 نفر از افراد جامعه با روش گلوله‌برفی مصاحبه شدند و همچنین تعداد هفت مقاله و کتاب به همراه بیانات مقام معظم رهبری در این حوزه بررسی شدند.

(د) یافته‌های تحقیق

پس از انجام مصاحبه‌ها و تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها، کتب، مقالات و بیانات، 338 کد، استخراج و سپس با استفاده از روش تحلیل مضمون، کدها در قالب 31 الزام (مضمون) در شش محور، شامل آموزش، پژوهش و نشر دانش (کارکردهای اصلی نظام آموزش عالی) و ساختار، فرهنگ و رهبری که اهرمهای اصلی اجرای راهبردها (پیرس و رایسون، 1388: 316) دسته‌بندی شدند. به دلیل حجم بالای اطلاعات و رعایت استانداردهای مقاله، از ارائه 31 جدول مضامین خودداری می‌شود و برای نمونه، یک جدول از جداول مضمون و در ادامه جدول محورهای نهایی ارائه می‌شود.

جدول 1: مضمون ارتقای سطح دانش از طریق نشر دانش

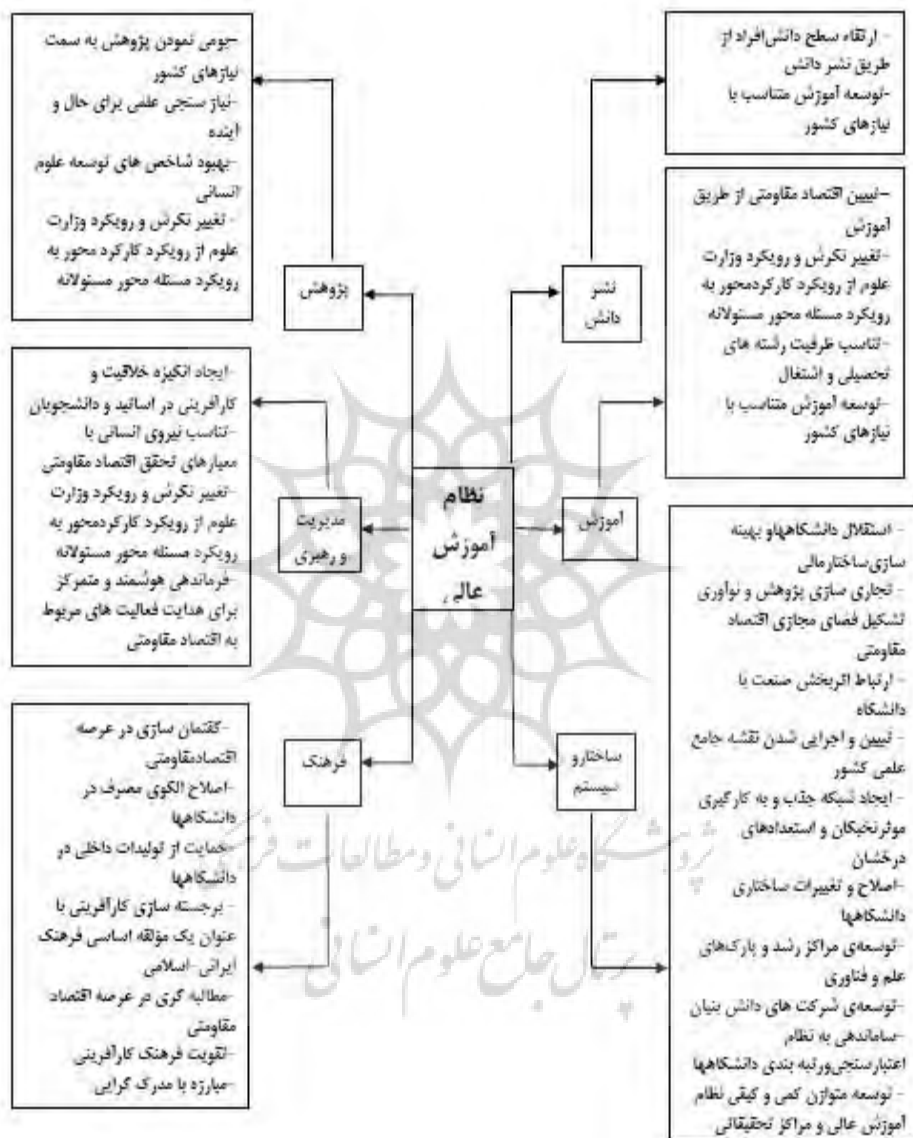
ردیف	کدها	منبع	مضمون	نشاگر مفاهیم
1	آگاهی‌بخشی نسبت به پیامدهای منفی و زیانبار بی‌توجهی به نیازهای اساسی کشور	مقاله	ارتقای سطح دانش افراد از طریق نشر دانش	C1
2	اطلاع‌رسانی درباره آثار مثبت نقش اقتصاد مقاومتی و کارکردهای سازنده آن در استقلال کشور	مقاله		
3	استفاده از فضای نشریات دانشجویی برای ترویج گفتمان‌سازی	مصاحبه		
4	برگزاری کارگاههای آموزشی در سطح مدیران، اعضای هیئت علمی، کارکنان و دانشجویان در زمینه اقتصاد مقاومتی	مقاله		
5	فضاسازی محیطی با رویکرد ترویج و فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی	مصاحبه		
6	نصب بنر، زمین‌نوشته، المان‌های محیطی و... با هدف دغدغه‌مند کردن مسئولان، استادان و دانشجویان و هدایت آنان به فعالیتهای مرتبط با اقتصاد مقاومتی	مصاحبه		
7	آشنا کردن دانشجویان یا افراد حاضر در فضای آموزشی با واقعیتهای اقتصادی	مصاحبه		
8	جلوگیری از تبلیغ و ترویج نظام سرمایه‌داری در دانشگاهها	مصاحبه		
9	آشنا کردن دانشجویان با اولویتهای اصلی	مصاحبه		
10	آشنا کردن دانشجویان با فضای تهدیدها و خصوصتها، مشکلات خارجی و داخلی	مصاحبه		

1. Saturation
2. Snowball Sampling

جدول 2. محورهای نهایی

محورها	نشانهگر مفاهیم	مضامین	ردیف
آموزش	C3	تبیین اقتصاد مقاومتی از طریق آموزش	1
	C18	تغییر نگرش و رویکرد وزارت علوم از رویکرد کارکردمحور به رویکرد مسئله محور مسئولانه	2
	C28	تناسب ظرفیت رشته‌های تحصیلی و اشتغال	3
	C30	توسعه آموزش متناسب با نیازهای کشور	4
پژوهش	C2	بومی کردن پژوهش به سمت نیازهای کشور	5
	C7	نیازسنجی علمی برای حال و آینده	6
	C17	بهبود شاخصهای توسعه علوم انسانی	7
	C18	تغییر نگرش و رویکرد وزارت علوم از رویکرد کارکردمحور به رویکرد مسئله محور مسئولانه	8
نشر دانش	C1	ارتقاء سطح دانش افراد از طریق نشر دانش	9
	C30	تناسب آموزش با نیازهای کشور	10
ساختار و سیستم‌ها	C10	استقلال دانشگاهها و بهینه‌سازی ساختار مالی	11
	C11	تجاری‌سازی پژوهش و نوآوری	12
	C12	ارتباط اثربخش صنعت با دانشگاه	13
	C15	تبیین و اجرایی شدن نقشه جامع علمی کشور	14
	C16	ایجاد شبکه جذب و به کارگیری مؤثر نخبگان و استعدادها درخشان	15
	C20	اصلاح و تغییرات ساختاری دانشگاهها	16
	C21	توسعه مراکز رشد و پارکهای علم و فناوری	17
	C22	توسعه شرکتهای دانش بنیان	18
	C25	ساماندهی به نظام اعتبارسنجی و رتبه بندی دانشگاهها	19
	C26	ارتقای استانداردهای آموزش عالی	20
	C27	مسئولیت‌سپاری به تشکلهای دانشجویی و انقلابی در اقتصاد مقاومتی	21
	C29	توسعه متوازن کمی و کیفی نظام آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی	22
	C4	تشکیل فضای مجازی اقتصاد مقاومتی	23
فرهنگ	C5	گفتمان‌سازی در عرصه اقتصاد مقاومتی	24
	C8	اصلاح الگوی مصرف در دانشگاهها	25
	C9	حمایت از تولیدات داخلی در دانشگاهها	26
	C14	برجسته‌سازی کارآفرینی با عنوان یک مؤلفه اساسی فرهنگ ایرانی - اسلامی	27
	C19	مطالبه‌گری در عرصه اقتصاد مقاومتی	28
	C23	تقویت فرهنگ کارآفرینی	29
	C24	مبارزه با مدرک‌گرایی	30
مدیریت و رهبری	C6	ایجاد انگیزه خلاقیت و کارآفرینی در اساتید و دانشجویان	31
	C13	تناسب نیروی انسانی با معیارهای تحقق اقتصاد مقاومتی	32
	C18	تغییر نگرش و رویکرد وزارت علوم از رویکرد کارکردمحور به رویکرد مسئله محور مسئولانه	33
	C31	فرماندهی هوشمند و متمرکز برای هدایت فعالیتهای مربوط به اقتصاد مقاومتی	34

در مجموع می‌توان مضامین و محورهای اصلی الزامات نظام آموزش عالی برای تحقق اقتصاد مقاومتی را در شکل 1 نشان داد.



شکل 1: الزامات نظام آموزش عالی برای تحقق اقتصاد مقاومتی

ه) بحث و نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج این پژوهش تنها سرفصلی در خصوص موضوع اقتصاد مقاومتی و آموزش عالی است و جا برای تکمیل شدن بسیار دارد. در این بخش بر اساس یافته‌های تحقیق، پیشنهادهایی در دو سطح دانشگاهها و وزارت علوم و سطح دولت مطرح می‌شود.

1. در سطح وزارت علوم و دانشگاهها

هدایت پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی اساتید و دانشجویان به سمت موضوعات مرتبط با اقتصاد مقاومتی، از جمله: کارآفرینی، تولید علم با رویکرد اسلامی و ایرانی، تکمیل نظریه اقتصاد مقاومتی در حوزه‌های عملیاتی، رفع آسیبهای کشور در حوزه‌های اقتصادی و شناسایی و معرفی ظرفیتهای اقتصادی بوم منطقه.

ارتقای دانش و مهارت کارآفرینی در دانشجویان و استادان با تأکید بر کارآفرینی دانش‌بنیان، مانند برگزاری کارگاههای آموزشی با موضوع کارآفرینی دانش‌بنیان، تولید جزوات آموزشی کم‌حجم و جذاب.

معرفی کارآفرینان موفق در منطقه، شناسایی نیازمندی‌های دستگاههای اجرایی دولتی، عمومی و خصوصی در حوزه منابع انسانی (نیروی متخصص) و تأمین آنها از طریق ایجاد رشته‌ها و گرایشهای مرتبط یا تقویت آنها.

تبیین مفهوم، ماهیت، ضرورت و اقدامات اقتصاد مقاومتی در قالب برنامه‌های ترویجی، مانند برگزاری همایشهای دانشجویی، طراحی مسابقات دانشجویی، برگزاری نمایشگاههای کاربردی و فضا سازی محیطی با رویکرد ترویج و فرهنگ سازی اقتصاد مقاومتی می‌تواند در بستر سازی اجرای اقتصاد مقاومتی مؤثر باشد. از سوی دیگر، برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی و همایشها و کارگاههای مختلف حول شناخت مشکلات در حوزه آموزش عالی و اقتصاد مقاومتی و ارائه نظرات به منظور رفع مشکلات می‌تواند کمک شایانی در این حوزه کند.

تشکیل فضای مجازی اقتصاد مقاومتی (به صورت تخصصی یا عمومی و ...)، ترویج و تقویت روحیه و فرهنگ کارآفرینی (تبیین مواضع دین مبین در تشویق کارآفرینی و تکریم استخدام شدن و ...)، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با محوریت موضوعات اقتصاد مقاومتی (متناسب با مشکلات دانشگاه، شهرستان، استان و کل کشور و با رعایت همین اولویت بندی) با حضور مسئولان ذی ربط در دانشگاه و شهرستان و استان و برگزاری جلسات مناظره دانشجویی متناسب با مشکلات خاص منطقه با حضور مسئولان شهرستان و استان و همراهی اساتید اقتصاد مقاومتی، مطالبه‌گری در مواردی مانند مطالبه مشکلات شهرستان و استان از مسئولان ذی ربط (به خصوص مواردی که

شناسایی الزامات نظام آموزش عالی کشور برای تحقق اقتصاد مقاومتی ♦ 271

خروجی مطالعات، مقالات و پایان‌نامه‌های علمی دانشگاه است)، مطالبه از بانکهای محلی برای تخصیص منابع خود به بخشهای تولیدی (با اولویت بخشهای دارای مزیت در شهرستان و استان و بخشهای دانش‌بنیان)، مطالبه از دستگاههای اجرایی محلی و منطقه‌ای برای معرفی اولویتهای پژوهشی (با هدف رفع مشکلات محلی و منطقه‌ای)، حضور در واحدهای اقتصادی مردمی (کارگاهها، مزارع و ...) با هدف شناسایی مشکلات آنها و ارائه راه‌حلهای علمی و کاربردی به ایشان (و جلب اعتماد آنها برای مشارکت در برنامه‌های اقتصاد مقاومتی)، جایگزینی مصرف کالاهای خارجی با کالاهای مشابه داخلی. برای مثال، تدوین آیین‌نامه خرید داخلی برای مسئولان خرید دانشگاه و تهیه فهرست کالاهای داخلی از دیگر پیشنهادهای این تحقیق به مدیران وزارت علوم و دانشگاهها در راستای نقش‌آفرینی در تحقق اقتصاد مقاومتی است.

همچنین تقویت و توسعه شرکتهای دانش‌بنیان (پارکهای علم و فناوری، مراکز رشد و ...) و طراحی سازوکاری برای استفاده از امکانات آزمایشگاهها و کارگاههای دانشگاه برای تقویت تولید در شهرستان و منطقه (با اولویت شرکتهای دانش‌بنیان، دانشجویان و ...)، تمهید شرایط لازم برای تحول دانشگاههای کارآفرین، رقابتی کردن دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در ارائه دوره‌ها و مطالب با کاربرد بیشتر، بازنگری سرفصل دروس با هدف روزآمد کردن علمی آموزشها و افزایش مهارتها بر اساس نیاز جامعه و بازار و ارتقای دوره‌های کارآموزی به کارورزی، تدوین برنامه‌هایی در جهت استفاده بهینه از ظرفیت مازاد دانشگاهها، برنامه‌ریزی در جهت ارتباط مؤثر با بخشهای اقتصادی، مانند تمهید اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاههای برتر کشور به صنعت ملی و نظام اجرایی کشور، برنامه‌هایی در جهت کاهش اتکا به درآمد نفت و منابع ارزی در اقتصاد آموزش عالی، مانند فعال‌سازی اقتصاد آموزشی عالی و زمینه‌سازی برای استفاده حداکثری از ظرفیتهای دانشگاهها از طریق پیاده‌سازی نظام بودجه‌ عملیات، انعقاد قرارداد با وزارتخانه‌های مختلف برای وارد کردن نتایج تحقیقات در صنایع بزرگ کشور، ایجاد تیم‌هایی برای برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های تحقیقاتی در حوزه اقتصاد مقاومتی و بازتعریف سامانه‌های پارکهای علم و فناوری وابسته به صنایع، شامل طراحی سامانه‌های مراکز توسعه فناوری و سامانه مراکز رشد بین‌المللی می‌تواند به غنای ظرفیت اجرایی اقتصاد مقاومتی کمک کند.

2. در سطح کلان دولت

تحریک تقاضا در جامعه برای محصولات شرکتهای دانش‌بنیان و ایجاد سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر و ایجاد تمایل در بانکها برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های علمی، فراهم کردن زیرساختها و شبکه‌های آزمایشگاهی و برنامه‌ریزی برای

بهره‌گیری از سیستم‌های اطلاعاتی یکپارچه برای پایش مستمر وضعیت تغییرات محیط صنعت و بازار و ارائه بازخورد از میزان تناسب محتوا با نیازهای بازار می‌تواند وزارت علوم، دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی را برای ایفای مسئولیت در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی یاری رساند.



منابع

- بهرامی، ف. و غ. زمانی (1380). «آموزش عالی کشاورزی: ننگ‌ها و راهکارها». ماهنامه جهاد، ش 244-245: 27-32.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در باب اقتصاد مقاومتی. قابل دسترسی در: <http://www.farsi.khamenei.ir/>
- پیرس، جان ای. و ریچارد بی. رابینسون (1388). مدیریت راهبردی. ترجمه سید محمود حسینی. تهران: سمت.
- پیغامی، ع. (1391). «اقتصاد مقاومتی؛ اقتصاد دفاعی یا ترمیمی». قابل دسترسی در: <http://www.farsi.khamenei.ir/ithers-note?id=50551>
- خنیفر، ح. و ن. مسلمی (1396). اصول و مبانی روشهای پژوهش کیفی. تهران: نگاه دانش.
- خواجه شاهکوهی، ع. و ب. صحنه (1378). «نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی». نامه آموزش عالی، سال اول (دوره جدید)، ش 3: 125-138.
- دانایی فرد، ح. و ز. مظفری (1387). «ارتقای روایی و پایایی در پژوهشهای کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی». پژوهشهای مدیریت، سال اول، ش 1: 162-131.
- شیروانی، ا. و ا. مرادی (1391). «تمایزهای اقتصاد مقاومتی و مقاومت اقتصادی». بازار سرمایه، ش 33: 28.
- فدایی، م. (1393). تبیین مؤلفه‌های مدیریت راهبردی علم و فناوری مبتنی بر الگوی اقتصاد مقاومتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- نادری، ع. و م. سیف نراقی (1370). روشهای تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی. تهران: بدر.
- یمینی، م. (1372). «رویکرد سیستمی شیوه‌ای برای بررسی عملکرد مراکز آموزشی». آموزش بزرگسالان و توسعه، سال دوم، ش 4: 81-65.
- Briguglio, L. & S. Piccinino (2009). "Growth and Resilience in East Asia and the Impact of the 2009 Global Recession". Available at: http://www.um.edu.mt/_data/assets/pdf_file/0011/141959/Growth_with_Resilience_in_Asia_5Dec2011.Pdf.
- Bahrami, F. & G. Zamani (2001). "Higher Education in Agriculture: Bottlenecks and Solutions". *Jahad Monthly*. N. 244-245: 27-32.
- Danaei Fard, H. & Z. Mozafari (2008). "Promoting Validity and Reliability in Managerial Qualitative Researches: A Reflection on Research Audit Strategies". *Management Researches*, Vol. 1, N.1: 131-162.
- Fadaei, M. (2014). *Explaining the Components of Science and Technology Strategic Management Based on Resistive Economy Model*. Master's Thesis. University of Tehran.
- Khaji Shahkuhi, A. & B. Sahneh (2009). "Role of Higher Education in Economic Development". *Letter of Higher Education*, Vol. 1, N. 3: 125-138.
- Khanifar, H. & N. Moslemi (2017). *Fundamentals of Qualitative Research Methods*". Tehran: Negahe Danesh.
- Naderi, A. & M. Sief Naraghi (1991). *Research Methods and How to Evaluate it in the Humanities*". Tehran: Badr.

- "Orations of Supreme Leader on Resistive Economy". Available at: <http://www.farsi.khamenei.ir/>
- Payghami, A. (2012). "Resistive Economy; Defensive or Recovery Economy". Available at: <http://www.farsi.khamenei.ir/ithers-note?id=50551>.
- Pearce, J. & R. Robinson (2007). **Strategic Management**. Tehran: SAMT.
- Shirvani, A. & A. Moradi (2012). "Distinctions of Resistive Economy and Economic Resistance". *Capital Market*, N. 33:28.
- Yamani, M. (1993). "Systematic Approach, a Method to Evaluate the Performance of Educational Centers". *Adult Education and Development Quarterly*, Vol. 2, N. 4: 65-81.

